

پیش‌حقوقی

اگر شخصی وصیتی کند که دیگری آن را مکتوب نماید، ولی به امضای شخص موصی رسیده باشد، آیا چنین وصیتی به لحاظ قانونی، قابل ترتیب اثر دادن است یا خیر؟

نمی‌توان به طور قطعی در تمامی مواردی که وصیتنامه به خط کسی غیر از موصی نوشته شده‌است و صرفاً به این دلیل، وصیتنامه را باطل دانست، چراکه بسیار اتفاق می‌افتد که موصی سواد نوشتن ندارد و همچنین از مقررات قانونی نیز مطلع نیست، اما تمایل دارد در مورد دارایی و اموال خود تعیین تکلیف نماید. بدین منظور، در حضور شهود اقدام به اعلام وصیت خود می‌نماید و یکی از شهود آن را مکتوب می‌کند و به امضا یا اثر انگشت موصی می‌رساند.

اگر صرفاً به متن قانون اکتفا نماییم و در تمام موارد، وصیت‌های خودنوشتی که به خط موصی (وصیت‌کننده) نیست، اما سایر شرایط را داراست غیر قابل ترتیب اثر بدانیم، ممکن است خیسل عظیمی از وصیتنامه‌ها به لحاظ قانونی معتبر شناخته نشود و در نتیجه اختلافات ورثه که ناشی از ابطال وصیتنامه است، افزایش یابد. در نتیجه می‌توان گفت در صورتی که وصیتنامه‌ای از شخصی موجود بوده که به خط خودش نیست، اما دارای تاریخ و امضای شخص وصیت‌کننده است و شهودی هم به صحت وصیتنامه شهادت داده‌اند، با توجه به سایر فرائن و امارات موجود باید قائل به اعتبار این وصیتنامه بود. در هر مورد که وصیتنامه خودنوشته دارای برخی شرایط مندرج در قانون نیست، تحت شرایطی می‌توان تنفیذ وصیتنامه مذکور را از دادگاه درخواست کرد.

حق حبس زوجه در برابر مهریه چگونه است؟

آنچه در ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی به عنوان حق زوجه در برابر عدم دریافت مهریه مطرح شده، امتناع از «بفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد» است.اما در خصوص اینکه این وظایف شامل تمکین عام است یا خاص، بین حقوقدانان نظرات مختلفی وجود دارد. از مفاد قانون مدنی می‌توان چهار وظیفه مهم برای زوجه بر شمرد که شامل حسن معاشرت، تشییذ مبنای خانواده، سکونت در منزل شوهر و تمکین خاص از شوهر است. عمده حقوقدانان بر اساس آنچه از مبانی فقهی برداشت می‌شود، حق حبس را صرفاً در برابر «تمکین خاص» می‌دانند و معتقدند بهترین ابزار زن برای الزام شوهر به پرداخت مهریه، جلوگیری از تمتع جنسی شوهر است، اما برخی دیگر با عنایت به نص قانون مدنی و عبارت «وظایفی که در مقابل شوهر دارد» آن را اعم از تمکین خاص و شامل سایر وظایف قانونی زن می‌دانند.

آیا در صورت اعسار زوج و تقسیط مهریه باز هم حق حبس برقرار است؟

از منظر تحلیل حقوقی، چون حق زن به کل مهریه تعلق می‌گیرد، می‌توان گفت چنین حقی تا پایان آخرین قسط برقرار است مگر اینکه زن خودش رضایت به تمکین در اثانی پرداخت اقساط دهد.

چنانچه زن مبتلا به ام اس یا سرطان خون یا بیماری‌های دیگری باشد که هزینه این بیماری‌ها سرسام آور و بسیار بالا باشد آیا این هزینه جزه نفعه زوجه است؟

به استناد ماده ۱۰۷۰ قانون مدنی، نفعه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در وقت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض. قانون مدنی مصادق نفقه را مشخصاً اعلام نموده و هیچ محدودیتی از حیث میزان هزینه‌های درمانی و بهداشتی زوجه قائل نگرفته‌است بلکه بالعکس شرایط و وضعیت زوجه را در نظر گرفتن احتیاج وی ملاک پرداخت هزینه‌های تعیین شده است، لذا پرداخت هزینه‌های مداوای روجه‌ای که مبتلا به بیماری صعب‌العلاج یا سرطان یا ام اس گردیده جزه نفعه ی بوده و پرداخت آن بر عهده زوج است.

آیا امکان فسخ قرارداد قبل از تاریخ انقضای مدت اجاره وجود دارد؟

خیر، زیرا قرارداد اجاره از جمله عقود است که طرفین آن را متعهد و پایبند به ادامه قرارداد تا پایان انقضای مدت اجاره می‌نمایند، مگر در مواردی مانند عدم امکان بهره‌برداری از ملک به لحاظ عیبی که قابل استفاده نباشد یا بدین‌گونه طرفین توافق دیگری کنند.

دیه سقط جنین بر عهده چه کسی است؟

دیه بر عهده کسی است که متصدی عمل سقط جنین بوده است. پس اگر مادر یا خوردن قرص بچه را سقط کرده بر عهده مادر است و اگر دکتر با آمپول زن دیه را سقط کرده بر عهده دکتر است.

دیه سقط جنین به چه کسی باید پرداخت شود؟

اگر مادر متصدی سقط جنین شده است دیه آن را باید به پدر یا در صورت فقدان پدر به سایر ورثه بپردازد و اگر پدر متصدی آن شده است باید دیه را به مادر بدهد و اگر شخصی دیگر متصدی آن شده است باید دیه را به پدر و مادر بدهد و به عبارت دیگر هر کس مباشر در سقط است دیه به او نمی‌رسد و دیه به طبقه بعد باید داده شود و اگر پدر و مادر به سقط جنین رضای باشند هر چند مباشر در سقط نباشند، بین اینکه دیه به طبقه بعد داده شود و پدر و مادر دیه نگیرند، اجماع حقوقی و مقرره قانونی خاصی وجود ندارد.

آیا طلبکار می‌تواند پس از فوت بدهکار، مستمری بازنشستگی او را بابت طلب توقیف کند؟

پس از فوت متوفی، حقوق و مستمری او مشمول قواعد ارث نیست و طبق قانون به مستمری‌گیران تعلق خواهد گرفت، بنابراین طلبکاران امکان توقیف آن بابت بدهی متوفی را نخواهند داشت. با این حساب می‌توان از سایر اموال متوفی (ماترک که مشمول قواعد ارث است، طلب را وصول کرد.

چنانچه چکی یا تاریخ مقدم بر تاریخ فوت صادرکننده به بانک آید شود، در این صورت تکلیف بانک چیست؟

چنین چکی قابل پرداخت نیست، زیرا با فوت صاحب حساب، فاقد اهلیت لازم برای داشتن حساب بوده و حساب جاری وی مسدود می‌شود و موجودی حساب جاری متعلق به ورثه خواهد بود. البته این نظریه‌هی خالی از ایراد نیست، زیرا می‌توان گفت با صدور چک مبلغ مزبور از مالکیت صاحب حساب خارج و به دارنده چک منتقل می‌شود، ولی رویه عملی بانک‌ها همان است که گفته شد. در چنین فرضی دارنده می‌تواند برای دریافت وجه چک به دادگاه مراجعه کند.

شخصی در بیمارستان بیهوشی نشده و پسر بزرگ انگشت پدر را در حال بیهوشی روی کاغذ گذاشته‌است و سه‌ماه سابق ورثه را مال خود می‌کند. عنوان اتهامی آن چیست؟

موضوع مشمول ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی است که عنوان «استفاده از ضعف نفس اشخاص» را دارد. مجازات وی علاوه بر جرمانه خسارت مالی از شش ماه تا دو سال حبس خواهد بود و در صورت انطباق با جرم کلاهبرداری از یک تا هفت سال حبس متوجه وی است.

آیا طبق ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی جدید می‌توان برای یک جرم دو حیث متفاوت از حیث درجه قائل شد؟ برای نمونه کلاهبرداری به مبلغ ۴میلیارد تومان را از حیث جزای نقدی شامل در چه یک دانست و از حیث حبس شامل درجه چهار تلقی نمود؟

در جرائمی نظیر کلاهبرداری که دارای مجازات‌های متعدد است، با توجه به ماده ۱۹۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و تبصره‌های ۱۳۲ آن هر مجازات باید مستقل از مجازات‌های دیگر براساس تطبیق آنها با درجات هشت‌گانه ماده مذکور، درجه‌بندی شود و با توجه به اینکه درجه‌بندی مجازات‌ها متفاوت از درجه‌بندی جرم است، بنابراین ممکن است هر یک از مجازات‌ها در درجات مختلف قرار گیرد و به همین جهت است که در مقام اعمال تخفیف، هر مجازات بر اساس درجه‌ای که در آن قرار گرفته است، تخفیف می‌یابد.

چهارشنبه ۲۳ مرداد ۱۳۹۸ | ۱۲ دی‌الصححه ۱۴۴۰

حقوقی

سرویس اجتماعی ۸۸۴۹۸۴۴۰

مناقشه حقوقی بر سر گواهینامه موتوری

صدور رأی در یکی از شعب دیوان عدالت اداری به نفع صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان یک بار دیگر جدال قدیمی قانونی بودن یا نبودن موتورسواری زنان را به رسانه‌ها کشاند



گزارش یک

نیره ساری

ساده و صریح است، اما اینگونه نیست چون بنابر متن قانون مربوط به صدور انواع گواهینامه‌های رانندگی هستند؟! این موضوع هر چند جدید نیست، اما هرازگاهی تیتز خبرها می‌شود. برخی بنا بر متن قانون مربوط به صدور انواع گواهینامه‌های رانندگی در کشورمان معتقد هستند شرط جنسیتی در زمره شروط دریافت موتورسیکلت تنها برای مردان امکندپذیر است.

همین زمینه به تبصره ماده ۲۰ قانون تخلفات راهنمایی و رانندگی اختصاص یافته‌است. موضوعی که به مردان اختصاص یافته‌است. موضوعی که در حوای کلام حاشیه‌های اخیر از زبان معاون فرهنگی قوه قضائیه هم مطرح شد. وی با احتمال رد حکم اخیر دیوان عدالت در مرحله تجدید نظر تأکید کرد: «راهنمایی و رانندگی نمی‌تواند فرهنگی قوه قضائیه برای بانوان توسعه داده شود. برای زنان گواهینامه موتور صادر کند.» از سوی دیگر سخنگوی ناجا تأکید کرد: «قانونی درباره صدور گواهینامه برای بانوان موتورسوار نداریم.»

با این‌همه معاون فرهنگی قوه قضائیه ذیل تأکید موتورسیکلت برای بانوان موتورسیکلت و همچنین فراموش کردن آن برای زنان جامعه ایران اعم از سایر وسایل نقلیه در مقررات موضوعه و همچنین فراموش نبودن امکان مالی برای همه شهروندان ایرانی تهیه خودرو برای رفق و ففق امور زندگی است که به‌این‌فراجم می‌رسد:

«استناد به اصالة الاباحه و مستندت به مواد ۱۰۱، ۵۸ و ۶۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت و الزام طرف با عدم ممنوعیت موتورسواری برای بانوان؛

اینکه آیا خانم‌ها می‌توانند گواهینامه موتورسیکلت دریافت کنند یاخیر؟! یا اینکه در این زمینه چه قانونی وجود دارد؟! پرسشی که برخی معتقدند پاسخش

گزارش ۲

گندم زمانی

همه علیه شکست انحصر وکالت! معاون اجتماعی قوه قضائیه: انحصر وکالت، قوه قضائیه را از استفاده از ظرفیت علمی فرهیختگان حقوقی و کسانی که تحصیلات حقوقی دارند در محاکم محروم کرده است

معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه ضمن اشاره به گران بودن هزینه وکالت افزود: «هرمی که نیازمند خدمات حقوقی هستند به‌خاطر گران بودن وکالت و بالا بودن تعرفه حق‌الکاله‌ها نمی‌توانند از وکالت استفاده کنند.» وی ضمن اشاره به برنامه قوه قضائیه در خصوص افزایش وکیل اظهار داشت: «تلاش و برنامه قوه قضائیه در این خصوص است که در آینده جامعه وکالت بر تعدادتر شود.»

نقدهای کلی بر یک انحصرطلبی
اقتصاددان ها در د این انحصر به ابعاد اشتغالزایی ماجرا پرداخته و معتقد هستند با توسعه بازار خدمات حقوقی از جمله وکالت، توان ایجاد بیش از ۵۰۰ هزار شغل به طور مستقیم به وجود خواهد آمد. در حال حاضر ۹۰ درصد پرونده‌ها بدون وکیل روانه دادگاه می‌شود. این در حالی است که در چند هفته اخیر نیز ۴هزار کارآفرین در نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه فرام‌شود.»



۹ جوان

روزنامه جوان | شماره ۵۷۲۴

گزیده



مفهوم تمکین در زندگی زناشویی

قوام زندگی مشترک نه به قانون بلکه به اخلاق نیازمند است. در اصل باید گفت در حقوق خانواده، تا زمانی که محبت و علاقه میان طرفین حکمفرماست، صحبت از قانون چندان معنا ندارد. تمکین یکی از همان عواملی است که باعث استوار شدن زندگی خانواده بر مبنای همان علاقه می‌شود. اما جالب این است که در دعوایی که در دادگاه خانواده مطرح می‌شود، یکی از دلایل اختلافات زن و شوهر به تمکین نکردن مربوط می‌گردد. این وظیفه و تکلیف در زندگی زناشویی، در قانون مدنی هم بیان شده که طبق آن همین که از دواج و نکاح به شکل صحیح واقع شد، روابط زوجیت بین دو طرف به وجود می‌آید و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می‌شود.

یکی از اثرات مهمی که از دواج به همراه دارد و بخشی از مسئولیتی که روی دوش زن و مرد قرار می‌گیرد مسئله تمکین است. مقصود از تمکین به معنای عام فرمان بردن و اطاعت کردن و به معنای خاص، برقراری روابط زناشویی است. به زبان ساده یعنی اینکه هر کدام از زن و شوهر وظایفی را که به موجب قانون و عرف در مقابل یکدیگر بر عهده دارند انجام دهند و بدون داشتن عذر موجه از انجام آنها سرپیچی نکنند.

انواع تمکین

تمکین در دو نوع خاص و عام تقسیم می‌شود. تمکین عام به معنای خوش رفتاری یا به اصطلاح حسن معاشرت با همسر و اطاعت از خواسته‌های شرعی همسر است. مانند رعایت نظافت و آرایش برای همسر خود به طوری که مقتضای زمان ، مکان و شأن خانوادگی‌شان است و در واقع به این معناست که خانم خانه ریاست شوهر را در خانواده بپذیرد. در قانون کشور و بسیاری از کشورهای اسلامی ریاست خانواده از نظر مدیریت و رهبری بر عهده مرد است و این مسئله به این معنا نیست که توافق و همکاری زن و شوهر با یکدیگر در زندگی لازم نیست. در هر حال این اطاعت کردن شامل اموری می‌شود که از نظر قانونی بر عهده زن است و اگر آقایی از همسر خود کاری خلاف قانون یا شرع یا خارج از حدود متعارف را بخواهد، خانم تکلیفی به اطاعت ندارد.

تمکین به معنای خاص یعنی اینکه زن در روابط زناشویی از همسرش اطاعت کند و از برقراری رابطه با همسر در صورت درخواست او خودداری نکند. البته این وظیفه مخصوص زن نیست و مرد هم در حدود صحیح و معمول از برقراری رابطه با همسر خود نباید خودداری کند، اما این تمکین یک حکم همیشگی و بی‌چون و چرانیست و یکسری استثنائاتی در قانون پیش‌بینی شده است که در آن شرایط زن می‌تواند از شوهرش اطاعت نکند در عین حال از همه حقوقی که دارد برخوردار شود. مانند وقتی که شوهر دارای بیماری مقاربتی است که طبق ماده ۱۱۲۷ قانون مدنی زن می‌تواند از رابطه جنسی با او خودداری کند.

در اصل می‌توان گفت با تحقق تمکین عام و سرپیچی از تمکین خاص یا بر عکس نفعه تلقی نمی‌گیرد و هر کدام از شرایط یاد شده معنای تمکین کاسل را نداعی نمی‌کند، بنابراین حق نفعه زوجه ساقط می‌شود. در کل اثبات تمکین در صورتی که دلایل و شواهد مشخصی بر عدم تمکین زوجه نباشد با مرد است و همینطور زمانی که ادعای دیگری از سوی صادره قضائی دارد.

در نهایت این محسن قائمی‌نسب مدیر کل حوزه ریاست دیوان عدالت اداری است که از غیر قطعی بودن رأی یکی از شعب دیوان در خصوص الزام راهنمایی و رانندگی مبنی بر صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان خبر داده و گفته است: «حکم صادره، رأی هیئت عمومی نیست بلکه رأی صادره توسط یکی از شعب با شکایت یکی از بانوان

این یعنی سباید احتمال اینکه معاون فرهنگی قوه قضائیه در مورد رد این رأی در مرحله تجدید نظر داده‌است، صحیح باشد. هر چندی خود نیز معتقد است اگر بعدا قانون تغییر کرد با اصلاح‌شده، ایرادی برای صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان وجود ندارد و دولت وظیفه دارد تا این شرایط را برای بانوان ایجاد نماید.

مخالفت قانونی

به دنبال حاشیه‌های به وجود آمده، حجت‌الاسلام هادی صادقی، معاون فرهنگی قوه قضائیه به توضیحات لازم در این باره، پسند کرد و گفت: «در فرهنگ اسلام، سوار زن شدن برای بانوان مکروه

داستان‌ها

پرداخت نفعه اولاد

بر اساس قانون، نفعه اولاد به عهده پدر است و در صورت فوت پدر یا عدم توانایی او در پرداخت مخارج زندگی فرزندش، این تکلیف به عهده پدر بزرگ و جد یا دیگر اجداد پدری است.

مطالبه نفعه در صورت بالغ بودن فرزند

مادر صرفاً در صورت غیر بالغ بودن فرزندش می‌تواند مستند به ماده ۶ قانون حمایت خانواده نفعه وی را از پدر مطالبه کند اما در صورت بالغ بودن فرزند، دادخواست باید توسط خود وی مطرح شود.

واگذاری حق حضانت

با توجه به اینکه حضانت هم حق والدین است و هم تکلیف آنان و طبق ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی هر یک از والدین می‌تواند حق حضانت خود را با توافق به دیگری واگذار کند و این قرارداد که نوعی عقد می‌باشد وفق ماده ۱۰ قانون مدنی لازم‌الوفاست. بنابراین با توجه به مقررات قانونی که اولویت حضانت با مادر است، ممکن است، حضانت فرزندان اعم از دختر یا پسر تا هفت سال یا بعد آن تا زمان رسیدن به سن رشد طبق توافق به عهده مادر گذاشته شود.

وراث کافر و مسلمان

کافر از مسلم ارث نمی‌برد و اگر در بین ورثه متوفای کافری، مسلم باشد وراثت کافر اثر نمی‌برند اگر چه از لحاظ طبقه و درجه مقدم بر مسلم باشند.

طلب زن بابت مهریه بر پرداخت نشده و انتقال به ورثه متوفی

اگر زن قبل از مطالبه مهریه از زوج فوت کند و مهریه او وجه رایج باشد، ورثه زن، استحقاق دریافت مهریه را دارند. با فوت زوجه مهریه نیز به ورثه او منتقل می‌شود و اصل طلبی که زوجه بابت مهریه داشته است طبق قاعده ارث به ورثه او انتقال پیدا خواهد کرد و هر یک از ورثه به نسبت سهم الارث خود از اصل دین، طلب خود را از شوهر متوفی یا ماترک او مطالبه می‌کند. ضمناً سهم بردن از دیه، ارتباطی با سهم بردن از مهریه ندارد.